بسم الله الرحمن الرحيم

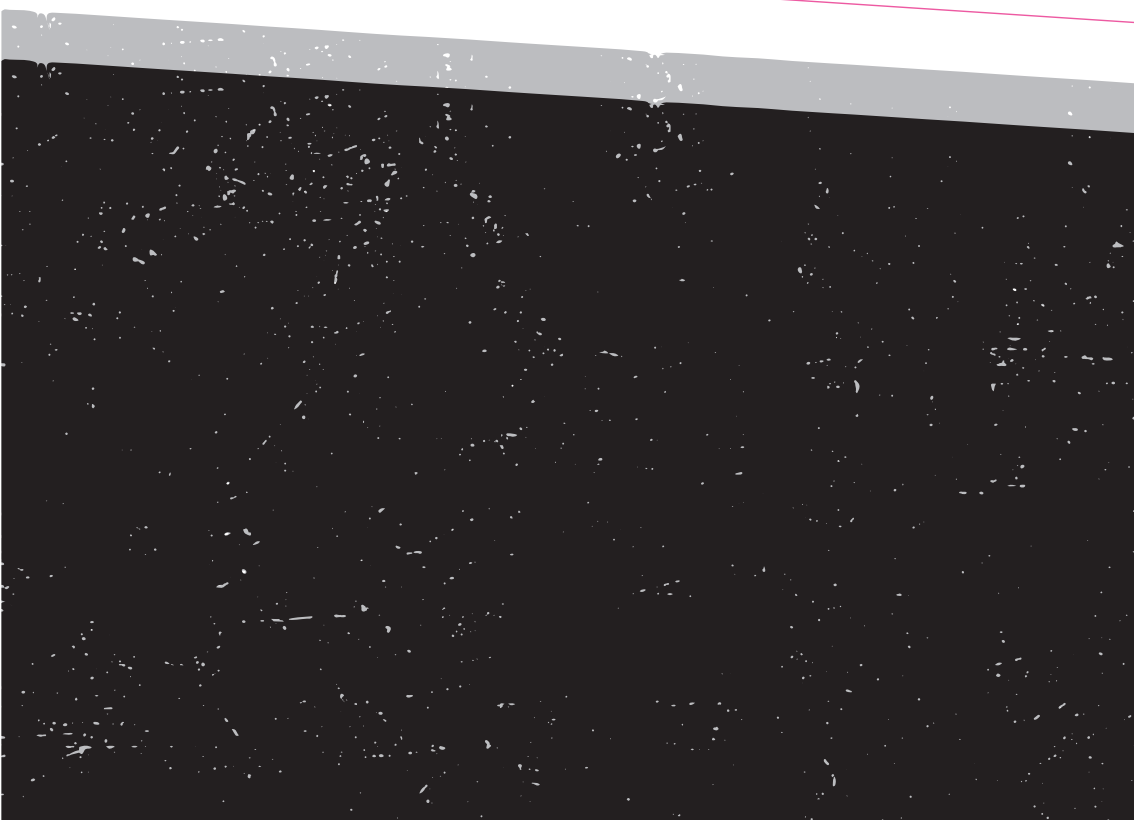

سرشناسه: وبند، مایا Wind, Maya
عنوان و نام پدیدآور: برج‌های عاج و فولاد: چگونه دانشگاه‌های اسرائیل آزادی فلسطین را انکار می‌کنند/ مایا وبند؛ ترجمهٔ سیدیحیی برخوردار.
مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۴.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۲۵۳۹-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی - جنبه‌های سیاسی - اسرائیل
Universities and colleges – Political aspects – Israel
شناسه افزوده: برخوردار، سیدیحیی، ۱۳۶۷ -، مترجم
رده بندی کنگره: LA۱۴۴۳
رده بندی دیویی: ۳۷۸/۵۶۹۴
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۲۴۵۳۴۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

# برج‌های عاج و فولاد

## چگونه دانشگاه‌های اسرائیل آزادی فلسطین را انکار می‌کنند



مایا وینند
ترجمهٔ سیدیحیی برخوردار

# برج‌های عاج و فولاد

## چگونه دانشگاه‌های اسرائیل آزادی فلسطین را انکار می‌کنند

**مایا وینـد**
**ترجمهٔ سیدیحیی برخوردار**
**مدیریت هنری: آژانس خانهٔ ایده**
**چاپ اول| ۱۴۰۵| ۵۰۰ نسخه**
**چاپ و صحافی: کوثر**

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی،
تقاطع خیابان سعدی، پلاک ۲
شمارهٔ تماس: ۲-۰۲۱۳۳۹۰۰۷۵۱ و ۶۱۲۸
کدپستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸

amirkabirpub.ir
@amirkabirpubco

مؤسسهٔ انتشارات امیر کبیر
همهٔ حقوق محفوظ است.



# فهرست


پیشگفتار ۹

مقدمه ۱۹

نگاهی به تبعیض نژادی و تحریم علمی /۳۲/ دانشگاه شهرک نشینان /۳۶/

بخش اول: مشارکت ۴۷

۱. مهارت در مطیع‌سازی ۴۹

باستان‌شناسی /۵۴/ مطالعات حقوقی /۷۲/ مطالعات خاورمیانه /۸۶/ آموزش دربارهٔ خاورمیانه برای دولت امنیتی اسرائیل /۹۴/

۲. محوطهٔ پاسگاه مرزی ۱۰۵

دانشگاه عبری و «یهودی‌سازی» بیت‌المقدس /۱۱۰/ «یهودی‌سازی» بیت‌المقدس غربی /۱۱۴/ «یهودی‌سازی» بیت‌المقدس شرقی /۱۱۸/ اشغال و «یهودی‌سازی» العیساویه /۱۲۱/ دانشگاه حیفا و «یهودی‌سازی» شهر جلیل /۱۲۹/ دانشگاه بن گوریون و «یهودی‌سازی» نگب /۱۳۷/

۳. دولت-امنیتی پژوهشی ۱۵۵

هاسبارای دانشگاهی /۱۶۱/ پایگاه‌های علمی: آموزش نیروهای امنیتی اسرائیل /۱۷۰/ مجموعهٔ دانشگاهی، نظامی و صنعتی /۱۷۹/

بخش دوم: سرکوب ۱۹۱

۴. اشغالگری معرفتی ۱۹۳

تعریف موازد مجاز: دانشگاهیان اسرائیل و روز نکبت در فلسطین /۱۹۹/ افزایش انسان‌های نابکار: اشغالگری نظامی اسرائیل و مک‌کارتیسم جدید /۲۱۰/ پژوهش

تحت محاصره: استعمارگری شهرک‌نشینان و نظارت بر تحقیقات فلسطینی‌ها /۲۲۰/ دیگر محروم‌سازی‌های جامعهٔ علمی: در زمینهٔ انتقاد ضد استعماری و مسئلهٔ «یهودیان عرب» /۲۳۰/

۵. دانشجویان تحت محاصره ۲۴۳

دانشگاه ناحیهٔ دورافتاده /۲۴۸/ دانشجویان اشغال‌شده: سرکوب اظهارنظر سیاسی فلسطینی‌ها /۲۶۴/

۶. فضای دانشگاهی در برابر آزادی ۲۸۱

تحصیلات تکمیلی تحت اشغالگری /۲۸۷/ خشونت اداری و منزوی ساختن دانشگاه‌های فلسطین /۲۹۶/ مقاومت مردم فلسطین و دانشگاه‌های اسرائیل /۳۰۵/

سخن آخر ۳۱۹

سخن پایانی: از سوی رابین دی. جی. کلی ۳۲۷

قدردانی ۳۴۱

منابع ۳۴۷

# پیشگفتار

• نادیا ابو الحاج

۲۴ ژوئیهٔ ۲۰۲۳: پارلمان اسرائیل لایحه‌ای را به تصویب می‌رساند که «استاندارد منطقی بودن» را منتفی می‌داند؛ لایحه‌ای که یک مفهوم حقوقی انگلیسی است و این اختیار را به دیوان عالی آن می‌دهد تا تصمیمات دولت و آن دسته از انتصاباتی را که غیرمنطقی می‌داند، لغو کند. نخستین گام در یک‌سری اصلاحات گسترده‌تر قضایی که تحت رهبری راست‌گراترین ائتلاف حاکم در تاریخ اسرائیل -تمامی ۵۶ عضو مخالف کنست- قرار داشت، رأی فوق را تحریم کرد. به گفتهٔ نیویورک تایمز[1]، در میان دیگر موارد متعدد انگلیسی و عبری‌زبان منتشرشده، این لایحه و اصلاحات قضایی گسترده‌تری که بخشی از آن محسوب می‌شود، تهدیدی در جهت تضعیف «دموکراسی اسرائیل» به‌شمار می‌آیند. به ما این‌طور می‌گویند که شهروندان سکولار و آزادی‌خواه اسرائیل که طی چند ماه گذشته خیابان‌ها را به اشغال خود درآورده‌اند، برای نجات روح آن، دارند مبارزه می‌کنند.

1. New York Times

اما اگر بهترین برداشتی که از «چرخش» راست‌گرایانهٔ فوق به دست می‌آید، پایان کار منطقی دولتی باشد که از همان آغاز به کار، قادر نبوده تعهدات موجود نسبت به «یهودیان» و «دموکرات‌ها» را با هم وقف بدهد، چه؟ دموکراسی یهودیان یا همان دولت ملی متشکل از مهاجران که اساسش اخراج حدوداً ۷۵۰،۰۰۰ تن از ساکنین کشور فلسطین است، مبتنی بر پاکسازی قومی بوده است. لازمهٔ این اقدام، تعهد صهیونیست‌ها به ایجاد دولتی یهودی بود؛ اما تحقق چنین دولتی جز از طریق ایجاد «اکثریت یهود» چگونه ممکن بود؟ افزون بر این، اگر شهروندان غیریهودی آن دولت -یعنی فلسطینیان- نه در گذشته اعضای برابر یک دولت یهودی بوده‌اند و نه اصولاً می‌توانند چنین جایگاهی داشته باشند، تکلیف چیست؟ و در نهایت، اگر پس از بیش از پنجاه سال حکومت بر مردم فلسطین -شامل سیطرهٔ نظامی و کنترل بخش‌هایی از سرزمین آنان که در سال ۱۹۶۷ اشغال شد- بهترین توصیف از ماهیت اسرائیل و بنیان حقوقی آن، این باشد که اساساً با دموکراسی در تعارض است، آنگاه چه نتیجه‌ای باید گرفت؟

بحران سیاسی حال حاضر اسرائیل چیزی نیست جز حرکتی با ماهیت عمومی بیشتر به سوی جنبش‌های راست‌گرا، (پروتو) فاشیستی، و ضد دموکراسی در سراسر جهان اروپا و آمریکا، امری که رسانه‌های آمریکا نیز آن را پوشش می‌دهند. اکنون که در منزلم در نیویورک[1] دست به قلم شده‌ام، گرایش به سمت مخالفت با آزادی و خطرات موجود برای نهادهای دموکرات، هم اینجا در سرزمینمان و هم در سایر نقاط دنیا، دارند خودشان را به‌طور کامل نشان می‌دهند. با تمامی این تفاسیر، قصد دارم روی این نکته اصرار داشته باشم که وضعیتی که در اسرائیل دارد خودش را نشان می‌دهد، مسلماً به شکلی واحد و یکپارچه نباید در قالب گرایش جهانی گسترده‌تر کنونی جلوه کند. اسرائیل دولتی دموکرات نیست و نبوده است.

---

1. New York

اسرائیل سرزمین شهروندانش نیست. به‌عنوان دولتی یهودنشین، تبعیضی اساسی، مرزهای شهروندی را از یکدیگر تمیز می‌دهد. با وجود اینکه دولت اسرائیل در زمان شکل‌گیری‌اش اعلام کرد حافظ حقوق «شرعی» و «فرهنگی» شهروندان «اقلیت» خود خواهد بود، این دولت به‌عنوان «سرزمین مادری یهودیان» ساکن در هرکجای این دنیا تأسیس گردید. با توجه به اینکه تقریباً ۲۰ درصد شهروندانش را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند، و سلطهٔ نظامی آن روی نزدیک به ۵،۰۰۰،۰۰۰ نفر فلسطینی که حتی از حقوق و محافظتی برابر با سایر شهروندان محروم هستند، -و اینکه ۶۸ درصد از پناهجویان فلسطینی حق بازگشت ندارند- اصل اساسی فوق امروزه همچنان برقرار است.

در ژوئیهٔ سال ۲۰۱۸، مجلس ملی اسرائیل «قانون اساسی» تازه‌ای را تصویب کرد که نه تنها این دولت را برای همیشه «دولت واحد مردم اسرائیل» قرار می‌دهد، بلکه کسب چنین عنوانی را با تمام وجود ارج می‌نهد. در میان سایر قوانین دولت اسرائیل، قانون مذکور اشاره دارد که «بهره‌مندی از حق خودمختاری ملی» در این دولت «مختص یهودیان» است؛ افزون بر این، قانون فوق‌الذکر اذعان دارد «دولت اسرائیل به گسترش اسکان یهودیان به چشم یک ارزش ملی نگاه کرده و بایستی دست به کار شود تا برقراری و تثبیت آن را تشویق و ترویج نماید». در واکنش به چالش‌های حقوقی که این قانون را نژادپرستانه و ضددموکرات می‌دانستند، دادگاه عالی -همان دادگاهی که وجودش را برای حفظ ماهیت «دموکرات» اسرائیل ضروری می‌دانست- در سال ۲۰۲۱ آن را طوری مطابق قانون اساسی دانست که هیچ‌کس به «معقولانه» بودنش شک نمی‌کرد.

با توجه به اینکه اسرائیل در حال حاضر ازسوی حزب راست‌گرایان در معرض خطر است، نباید آن را به‌صورت یک دموکراسی توصیف کرد، «زیرا چنین توصیفی ممکن است ایراداتی به همراه داشته باشد». مسلماً

نژادپرستی ساختاری مختص دولت اسرائیل نیست. اما در مقایسه با آن دسته از دموکراسی‌های آزادیخواه اروپا و آمریکا که عموماً اسرائیل را با آن قیاس می‌کنند، تفاوتی اساسی و اصولی وجود دارد: نابرابری نژادی به‌صورت قانون درآمده است. به زبان دقیق‌تر، این قانون برای دو نظام حقوقی مجزا -یکی نظامی و یکی غیرنظامی- تدوین می‌شود که شهروندان و افراد فلسطینی و اسرائیلی ساکن در مناطق تحت کنترل دولت اسرائیل را به شکلی تبعیض‌آمیز زیر سلطهٔ خود دارند. به همین دلیل است که در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، دیده‌بان حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل -و نیز گروه‌های اسرائیل طرفدار حقوق بشر بیت سالم[1] و یش دین[2]- اسرائیل را رسماً دولتی آپارتاید دانستند.

بخش اعظم یهودیان اسرائیل که نسبت به بازنگری قضایی اعتراض دارند، اصولاً نگران خطرات موجود برای حق و حقوقشان هستند -و در جایگاه آزادی‌خواهان سکولار، زنان و اعضای جامعهٔ رنگین‌کمانی- (توجه به توزیع منابع در میان شهروندان یهودی اسرائیل نیروی محرکهٔ آن‌ها به‌شمار می‌آید). افزون بر این، رهبران معترضین تمام تلاششان را می‌کنند تا هرگونه نشانهٔ مربوط به هویت و سیاست‌های فلسطین در اعتراضات را از میان ببرند. «ماهیت دموکراسی آزادی‌خواهانهٔ» اسرائیل به هرچه که اشاره داشته باشد، فلسطینی‌ها -و درخواست‌ها و تصورات سیاسی متعددی را که تشکیل‌دهندهٔ سیاست‌های این افراد است- دربر نمی‌گیرد. با همهٔ این تفاسیر، اگر مسئلهٔ فلسطین را محوریت آنچه در معرض خطر است، قرار بدهیم، آن‌وقت چه؟ اینکه بدون سر و کله زدن با این حقیقت که اسرائیل جامعه‌ای متشکل از مهاجرانی است که همچنان در «مراحل آغازین» اسکان هستند، امکان ندارد بتوان مفهوم دولتی دموکرات را درک کرد، چه؟ پس از رأی مثبت پارلمان ملی

1. B'Tselem
2. Yesh Din

اسرائیل به معیار منطقی بودن، یاریو لوین[1]، وزیر دادگستری طی سخنانی مقابل همین پارلمان، فهرستی از پنج تصمیم دولت را ارائه کرد که دادگاه عالی با بهره‌گیری از همین معیار لغوشان کرده بود: تمامی این پنج تصمیم «در رابطه با مردم فلسطین و اشغالگری بود». بنا به گزارشی از سوی بن ریف[2]، نباید از بروز چنین امری تعجب کرد. لوین پیش‌تر دربارهٔ نیاز به «کاهش قدرت نیروهای قضایی» به منظور درک الحاق اراضی اشغالی سخن گفته است. مخلص کلام اینکه به قول ریف، این «مرحلهٔ نهایی بازنگری قضایی» است. چیزی به نام «اسرائیل دموکرات» که بتوان از مسئلهٔ فلسطین مجزایش کرد، وجود ندارد: این همان استعمار شهرک‌نشینان است. اقدامات و تعهدات اساسی آن -که قالب تصور سیاسی پایدار صهیونیست‌ها و فعالیت نهادها و احزاب سیاسی آن، اعم از موافق و مخالف آزادی، را به خود گرفته‌اند- با تمام وجودشان نژادپرستانه و ضددموکراسی هستند. این مسئله دست‌کم زمانی صادق است که آدم به این نکته معترف باشد که نه تنها زندگی شهرک‌نشینان یهود، بلکه زندگی اهالی فلسطین، اعم از شهروند و غیره، بایستی از نظر سیاسی و اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

هرکدام از این‌ها ممکن است چه ارتباطی با موضوع برج‌های عاج و فولاد مایا وینڈ[3] داشته باشد؟ بگذارید نقل قولی از مقدمه‌اش بیاورم: «تا چندین دهه، دانشگاه‌های اسرائیل را در غرب به‌عنوان دانشگاه‌هایی کاملاً آزاد حسابی تحسین می‌کردند. مؤسسات آموزش عالی اروپا و آمریکای شمالی همچنان همکاری‌های پژوهشی و برنامه‌های تحصیلی مشترکی را با دانشگاه‌های این دولت صورت می‌دهند، دانشگاه‌هایی که غالباً تنها افعالیت‌های آکادمیک

1. Yariv Levin
2. Ben Reiff
3. Maya Wind

مشترک در خاور میانه هستند». اما اگر این دانشگاه‌ها «کاملاً آزاد» نباشند، آن‌وقت چه؟ اگر دانشگاه‌های این دولت، جدا از اینکه نه مکانی امن برای تعدد نظرات و آزادی علمی هستند و نه جایی برای مخالفت‌های سیاسی آشکار، به واقع «در نقض حقوق مردم فلسطین دست داشته باشند،» آن‌وقت چه؟ وینـد با بهره‌گیری از موقعیتش در جایگاه یک شهروند یهود اسرائیلی و با هدف دستیابی به دانشگاه‌ها، آرشیوهای دولتی و نظامی، وکتابخانه‌های اسرائیل، اطلاعات لازم جهت پاسخگویی به پرسش مزبور را گردآوری، ترجمه، وتحلیل کرده است. کتاب حاضر، اثری بی‌نظیر و استثنایی است که به بررسی عمیقی در رابطه با تاریخچه و نحوهٔ عملکرد برخی از پرمدعاترین نهادهای آزادی‌خواه اسرائیل می‌پردازد و نتیجهٔ این بررسی از ارزش تجربی بسیار بالایی برای اثبات نادرستی آشکار توصیفات فوق برخوردار است. در اینجا خبری از «درستکاری سازمانی» نیست.

هیچ دانشگاهی -جدا از شرایط تاریخی، سیاسی، و اقتصادی و جامعه‌ای که در آن قرار دارد- یک برج عاج به‌شمار نمی‌آید. با تمامی این احوالات، وینـد که در نظامی مشغول به کار است که اینک عموماً به‌عنوان نظامی آپارتاید شناخته می‌شود، به نحوی استادانه نشان می‌دهد روابط نزدیک میان دانشگاه‌های اسرائیل و دولت آن -و پیامدهای چنین روابط نزدیکی- شکل و شمایلی مشخص به خود می‌گیرند. این دانشگاه‌ها که شکل‌گیری‌شان با تشکیل دانشگاه زبان عبری[1] در سال ۱۹۱۸ آغاز گردید که نخستین مؤسسهٔ آموزش عالی در میان هشت مؤسسهٔ آموزش عالی دولتی برجسته در زمان حاضر است، بخش جدایی‌ناپذیر فرایند شکل‌گیری و حفظ دولت به‌عنوان سرزمین مادری یهودیان را تشکیل داده‌اند؛ امری که محوریتش دربردارندهٔ فناوری‌ها و راهبردهای جنگ، نسل‌کشی، اشغالگری و اعمال زور است (فصل

1. Hebrew University

دوم را ملاحظه کنید). این دانشگاه‌ها علاوه بر اینکه آن دسته از دانشجویان فلسطینی را که شهروند اسرائیل محسوب می‌شوند، به نحوی ساختارمند منزوی کرده و با آن‌ها برخورد تبعیض‌آمیزی داشته‌اند، اغلب اقدامات دولت را خودشان صورت می‌دهند: به نام «امنیت،» نسبت به سخنرانی‌ها و سازمان‌های متعلق به دانشجویان فلسطینی سختگیری بیشتری صورت می‌دهند (فصل پنجم را ملاحظه کنید). افزون بر تمامی این‌ها، برنامه‌های آکادمیک را مکانی برای آموزش سربازان و نیروهای امنیتی می‌کنند. این نه معادل کارکنان ارتش است که برای برنامه‌ای دانشگاهی در محوطهٔ یکی از دانشگاه‌های آمریکا به کارگرفته می‌شوند و نه با حضور یکان آموزش افسران احتیاط (ویژهٔ دانشجویان) به دلایلی مشابه برابری می‌کند. چنین امری بیشتر شبیه آن است که بدهند دانشکدهٔ افسری وست پوینت[1] را داخل یکی از دانشگاه‌های آمریکا مستقر کنند؛ در اینجا لازم است متذکر شویم که استقرار چنین دانشکده‌ای «مستلزم» تشکیل مناطق امنیتی در خوابگاه‌هایی است که صحنهٔ حضور این دسته از نیروهای نظامی هستند (فصل‌های اول و سوم). دانشگاه‌های فلسطین، به نوبهٔ خود، در معرض کنترل اداری و نظامی هستند: دولت اسرائیل تعداد اساتید و دانشجویان خارجی را که در دانشگاه‌های فلسطین اجازهٔ آموزش و درس خواندن دارند، مشخص می‌کند و پیش از ارائهٔ روادید به آن‌ها (از نظر سیاسی) مورد ارزیابی‌شان قرار می‌دهد. ارتباط دانشگاه‌ها در نوار غزه[2] که همواره تحت محاصره است، با دنیای بیرون تقریباً به‌طور کامل قطع است و مرتباً مورد بمباران هوایی قرار می‌گیرند. دانشگاه‌های فلسطین در سرتاسر کرانهٔ باختری[3]، از جمله در بیت‌المقدس شرقی[4]، به نوبهٔ

1. West Point
2. Gaza
3. West Bank
4. East Jerusalem

خودشان، مکرراً در معرض تعطیلی و تهاجم قرار دارند، آن هم درحالی‌که دانشجویان و اساتیدشان دستگیر شده و در زمان بازداشت هم اغلب در معرض شکنجه شدن قرار دارند (فصل ششم). در همین دوران، نه تنها بخش اعظم مراکز و مؤسسات تحصیلی اسرائیل، بلکه رؤسای دانشگاه‌ها نیز سکوت اختیار می‌کنند. وقتی پای دانشگاه‌های فلسطین درمیان باشد، مطلقاً خبری از دفاع سازمان‌ها از آزادی علمی نیست. در بحبوحهٔ خشونت فزایندهٔ دورانی هم که ۶۰ سال اشغالگری را دربر می‌گیرد، حتی یک دانشگاه روابطش را با نیروهای نظامی یا امنیتی اسرائیل قطع نکرده است، چه برسد به اینکه روابطش را با صنعت تسلیحاتش قطع نماید (فصل‌های سوم و ششم).

۲۳ ژوئیهٔ ۲۰۲۳: انجمن انسان‌شناسی آمریکا تصویب مصوبه‌ای را با اختلاف ۷۱ درصد و به منظور تحریم مؤسسات علمی اسرائیل اعلام می‌کند.

تصویب قانون مربوط به لغو «معیار منطقی بودن» و رأی مثبت انجمن انسان‌شناسی آمریکا به تحریم مؤسسات علمی اسرائیل، رویدادهایی بودند که در یک روز صورت گرفتند. دلیل اینکه دو رویداد فوق را در اینجا کنار هم قرار می‌دهم، این نیست که تصوراتی واهی را در ارتباط با تأثیرات سیاسی هرکدام از آن‌ها در ذهنم می‌پرورانم، بلکه دلیلش ماهیت استدلالی است که در رابطه با درخواستی مبنی بر تحریم مؤسسات علمی اسرائیل در آمریکا و دیگر نقاط جهان ارائه شده است؛ منظور همان استدلالی است که در آن، اسرائیل یک دولت دموکرات سکولار به‌شمار می‌آید که بسیاری از سایر نظام‌های موجود در جهان از آن ظالم‌ترند. خلاصه اینکه چرا اسرائیل را «تافتهٔ جدابافته بدانیم»؟ پرسش سیاسی با کلمهٔ پرسشی «چه» از این دست که برای هرکسی که به آن توجه دارد، بایستی روشن باشد، چیزی نیست جز راهکاری برای منحرف ساختن مقاومت مردم فلسطین در برابر دولت اسرائیل. هیچ پروژهٔ سیاسی -در هیچ زمان و مکانی- تک‌تک عوامل ممکن را در یک آن و به‌طور هم‌زمان بررسی

نکرده است. این ماهیت سیاست نیست. پرسش اساسی -و صریح‌تری- که ویند مطرح می‌کند، ازاین قراراست: «آیا دانشگاه‌های اسرائیل درنقض حقوق مردم فلسطین شریک جرم هستند؟» کتاب حاضرکه پژوهش‌های مفصلی صورت داده، ازجزئیات تجربی برخوردار بوده و مباحثی را با دقت تمام مطرح ساخته است، پاسخی روشن و آشکار ارائه می‌کند: «بله». همان‌طورکه رأی اخیر انجمن انسان‌شناسی آمریکا نشان می‌دهد، جامعهٔ علمی بین‌المللی به نحوی روزافزون دارد متوجه جبهه‌گیری عمیق و مشارکت دانشگاه‌های اسرائیل در پروژهٔ شهرک‌نشینی و تبعیض نژادی آن می‌شود که پروژه‌ای دائمی و اساساً ضددموکراسی است. جامعهٔ فوق دارد به این نتیجه می‌رسد که ادامهٔ همکاری به همان شکل معمول با دانشگاه‌هایش قطعاً اقدامی «نامعقول» است. ازکسانی -هم آزادی‌خواهان و هم محافظه‌کاران حاضر در دو حزب چپ و راست- که با درخواست مربوط به تحریم علمی اسرائیل مخالف هستند، می‌پرسم: آیا جنبش مقاومتی ازسوی مردم فلسطین وجود دارد که احتمال داشته باشد آن را مشروع بدانید؛ یا اینکه جنبشی ازاین دست وجود داشته که ازنظرتان مشروع باشد؟

## مقدمه

درغروب دلگیر روز دهم ژانویهٔ سال ۲۰۲۲، یک دستگاه ون سفیدرنگ که هیچ پنجره‌ای نداشت، با پلاک فلسطین وارد محوطهٔ دانشگاه بیرزیت[1] شد که در شمال رام‌ا...[2]، واقع درکرانهٔ باختری اشغالی، قرار می‌گرفت. هنگامی‌که ون از در شرقی دانشگاه وارد محوطه شد، دو نفر که شلوار جین و گرمکن روپوش‌دار به تن داشتند، از درهای جلوی آن پیاده شدند. هردو شروع به حرکت به سمت گروهی از اعضای شورای دانشجویی کردند که از رؤسای منتخب توده‌های مختلف دانشجویی تشکیل می‌شد و در آنجا حضور داشتند. سپس ناگهان درهای عقب ون باز شد و سربازان یونیفرم‌به‌تن اسرائیلی -تعدادی از آن‌ها اعضای نیروهای ویژه بودند که کلاه‌های اسکی سیاه‌رنگ به‌صورت داشتند- که مسلح به سلاح‌های نیمه‌خودکار بودند، از آن بیرون پریدند. به‌سرعت پشت سر دو سرباز اسرائیلی ناشناس رفته و شروع به تیراندازی کردند.

همین‌که دانشجویان تلاش کردند پراکنده شوند، هرج و مرجی به راه افتاد، بااین‌وجود سربازان دقیقاً می‌دانستند سراغ چه کسی بروند. چهار نفر از رهبران

1. Birzeit University

2. Ramallah